

The Process of Constructing Meaning in Discourse Analysis using the "PADM" Method with a Case Study of Islamic Awakening

Hassan Bashir (Imam Sadiq University, bashir@isu.ac.ir)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2020/4/13

Accepted: 2020/12/9

Key Words:

PDAM Method,
Discourse,
Interdisciplinary,
Meaning,
Semantic Process
Islamic Awakening,

ABSTRACT

Discourse theory and discourse analysis methods are rooted in an interdisciplinary approach to various sciences, including linguistics, semiotics, psychology, semantics, terminology and more.

Meaning plays an essential role in the process of discourse construction. In fact, meaning is the spirit of discourse, and the method of discourse analysis is to achieve different meanings of discourse. How meaning is formed in discourse lays the groundwork for the multifaceted domain of meaning that can bring discourse to the various stages of semantics that play a key role in understanding the process of discourse.

In this context, the Practical Discourse Analysis Method (PDAM), which is designed based on the process of semantic transformation, will be introduced. In this method, 5 analytical levels are designed: level-level, depth-level, level-depth, depth-depth (deep), and deeper. At each stage, meaning plays an essential role in the transition from one level to another. Ultimately, what is obtained is the product of semantic interaction, semantic interdisciplinary, semantic process, semantic developments, and semantic fluidity.

An attempt was also made to provide an example of the implementation of this method in the Supreme Leader's statements on the Islamic Awakening. In this analysis, the basic signs and in fact the basic goals of these statements in the field of Islamic awakening are explained.

فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش «پدام» با مطالعه موردی بیداری اسلامی

حسن بشیر (دانشگاه امام صادق علیه السلام)؛ bashir@isu.ac.ir

چکیده

نظریه گفتمان و روش تحلیل گفتمان ریشه در رویکرد میان‌رشته‌ای نسبت به علوم مختلف از جمله زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، روان‌شناسی، معنانشناسی، اصطلاح‌شناسی و غیره دارد. معنا در فرایند ساخت گفتمان نقش اساسی دارد. درحقیقت، معنا روح گفتمان است و روش تحلیل گفتمان دستیابی به معانی مختلف گفتمانی است. چگونگی شکل‌گیری معنا در گفتمان، زمینه‌ساز طرح حوزه چندوجهی بودن معناست که می‌تواند گفتمان را به مراحل معناکاوی، معناسازی، معنادهی، معنایمی وارد کند که نقش اساسی در فهم فرایندی گفتمان دارد. در این مقاله روش تحلیل گفتمان پدام^۱ (روش عملیاتی تحلیل گفتمان) معرفی شده که بر پایه پنج سطح تحلیلی سطح-سطح، عمق-سطح، عمق-عمق، عمق-عمق (عمیق)، و عمیق‌تر طراحی شده است که در هر مرحله، معنا نقش اساسی در انتقال از یک سطح به سطح دیگر دارد. در نهایت آنچه که به دست می‌آید، محصول تعامل معنایی، تداخل معنایی، میان‌رشته‌ای معنایی، فرایند معنایی، تحولات معنایی، و سیالیت معنایی می‌باشد. همچنین، تلاش شد که نمونه‌ای از اجرای این روش در مورد بیانات مقام معظم رهبری در مورد بیداری اسلامی ارائه شود. در این تحلیل، دال‌های اساسی و در حقیقت اهداف اساسی بیانات مزبور در حوزه بیداری اسلامی تبیین شده‌اند.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۹

واژگان کلیدی:

روش پدام،

گفتمان،

میان‌رشته‌ای،

معنا،

فرایند معنایی،

بیداری اسلامی

مقدمه

موضوع معنا یکی از موضوع‌های مهم در تحلیل گفتمان است. اصولاً اساس تحلیل گفتمان بر کشف معناست. بحث معنا یکی از مباحث پیچیده فلسفه، زبان‌شناسی، معناشناسی، نشانه‌شناسی، روش‌های کیفی تحلیل از جمله تحلیل گفتمان و غیره می‌باشد. یکی از دلایل رشد روش‌های کیفی در علوم اجتماعی، تحول در نگاه به معناست.

در روش‌های کمی، بخشی از تولید معنا مرتبط با فراوانی و توجه به عدد به مثابه یک امر معرفتی برای ارزیابی رفتارهای فردی یا اجتماعی است. بنابراین، با به‌کارگیری روش‌های کمی، نوعی از معنای فراتر از معنای تحت‌اللفظی یا اصطلاحی هر گفتار، نوشتار یا رفتار به‌وجود می‌آید که الزاماً با معنای تک‌تک موارد مورد مطالعه مشابه نیست.

روش‌های کیفی تجدید نظر در فهم معنای رفتارها و هنجارهای انسانی است. این روش‌ها اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی بر ساخت گرای اجتماعی^۱ است (Neuman, 2006; Berg, 2006). در این رابطه می‌توان گفت که اصولاً در پارادایم‌های تفسیری، انسان و تمامی محصول‌های انسانی بر محیط یا ساخت، تقدّم هستی شناختی دارند. انسان نه تنها محیط و جهان اجتماعی خود را می‌سازد، بلکه به آن معنا و مفهوم نیز می‌بخشد (Berg and Luckmann, 1967). اگر جهت‌گیری روش‌های کمی از عدد و شمارش آغاز شد و بر مبنای آن نوعی از معنای تجمعی که حاصل مجموع معانی مختلف به‌دست‌آمده می‌باشد، مورد توجه بود، در روش‌های کیفی عدد، شمارش و تکرار نقش اساسی در تعیین معنا یا ایجاد نوعی از استنتاج معنایی ندارد. «روش کیفی از سطح پارادایمی تا سطح فنون با روش کمی در تقابل بنیادین است (محمدپور، ۱۳۹۷، ۷۶). در این روش‌ها، فهم چپستی، چرایی و چگونگی خلق یک رفتار، نوشتار یا هنجار، به‌عنوان مثال، بررسی و مطالعه می‌شود. بدیهی است فهم این موارد، نیازمند تکرار یا حتی استمرار به معنای پایایی یک امر نیست. در این روش‌ها، متن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، معنای متن اهمیت داشته و شرایط و موقعیت‌های تولید متن در تفسیر و تحلیل متن نقش اساسی دارد.

متن در این فرایند اهمیت اساسی دارد. معنای متن نیز بسیار گسترده و دارای ابعاد مختلف در رویکردهای گوناگون علمی است. «از دیدگاه معنا شناختی، هر آنچه دریافتنی و درک‌شدنی باشد، متن است» (شعیری، ۱۳۸۱، ص ۴۰). بنابراین، تحلیل گفتمان به متن از این منظر نگاه می‌کند که قابلیت درک شدن و تجزیه و تحلیل شدن دارد. به عبارت دیگر، می‌تواند معنای مختلف را منعکس کند که این خود بیانگر، تفاوت قرائت‌های گوناگون از متون توسط خوانندگان مختلف است. بر همین اساس معناشناسی که موضوع بحث آن «معنا» است، در رابطه با تحلیل گفتمان بیشترین نزدیکی و ارتباط دارد.

پیام‌ها که مهم‌ترین متون مورد توجه در تحلیل گفتمان است، به دلیل امکان قرائت‌های گوناگون توسط خوانندگان مختلف، دارای معانی متعدد است. این تعدد معنایی، یکی از ویژگی‌های بسیار مهمی است که روش‌های تحلیل گفتمان مورد توجه قرار می‌دهند.

متون، همه متون، دارای نوعی از پیام هستند. پیام فراتر از معنای ساده، دارای گستردگی، پیچیدگی، تنوع، تعدد و انبساط و انقباض معنایی است. به همین دلیل متن منشأ کشمکش‌های متعدد فلسفی، زبان‌شناسی، معناشناسی، نشانه‌شناسی و غیره شده و قرائت‌های مختلف از طرف خوانندگان، عاملی برای توسعه این چالش‌های معنایی شده است.

تحلیل گفتمان، تحلیل متن است؛ اما متن مجرد و یا گسسته از زمینه و بافت نیست. اهمیت بافت و زمینه خلق متن، کمتر از خود متن نیست. به همین دلیل در تحلیل گفتمان توجه به چهار عامل اساسی اهمیت دارد: ۱. نویسنده؛ ۲. متن؛ ۳. خواننده و تفسیرکننده متن؛ ۴. موقعیت و شرایط خلق متن (بافت).

در حقیقت در تحلیل گفتمان توجه به لفظ، معنا و واقعیت خارجی مرتبط با آن دو اهمیت بسزایی دارد. بدون ایجاد نوعی از شناخت ارتباطی میان این سه قلمرو، امکان اجرای تحلیل گفتمان وجود ندارد.

1. Social Interpretivism and Constructivism.

۱. چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله بر شناخت «معنا»، «گفتمان» و «تحلیل گفتمان» است که روش پدام برای آنها طراحی شده است.

۱-۱. معنای «معنا» و معناشناسی متن

اگرچه بحث درباره معنای معنا مهم است و می‌تواند در فهم معنا مؤثر باشد، اما اصل بحث درباره معنا، فهم چگونگی درک معناست. واژه‌ها دارای معنا هستند، جملات معنای کلمات را تکمیل می‌کنند، گزاره‌ها معنای جملات را منبسط می‌کنند، پاراگراف‌ها معنا را در حد وسیعی کامل تر می‌کنند و یک سند، یک داستان و یک روایت کامل، معنا را جامع‌تر ارائه می‌دهند. اصولاً «تحلیل معنایی بدون تحلیل متن، مسیر نامطمئن و لغزنده‌ای است که باعث افزایش ضریب خطای تحلیل‌گر می‌شود» (حجازی و بهرامی، ۱۳۹۸، ص ۱۵).

بنابراین، در اینجا ما با نوعی از تدرج یا ترتیب معنایی روبه‌رو هستیم. معنا با شیوه‌های مختلف می‌تواند انبساط پیدا کند. این انبساط فقط به وضعیت نوشتاری یا گفتاری و یا گرامری بستگی ندارد؛ بلکه به شرایط و موقعیت‌ها و در حقیقت به بافت و زمینه تولید متن و شیوه‌های مفصل‌بندی با متون دیگر نیز بستگی دارد.

مطالعه معنا سنت علمی دارد. این سنت و حوزه علمی دانشی را به‌وجود آورده است که به نام معناشناسی^۱ شناخته می‌شود. یکی از تفاوت‌های اساسی زبان‌شناسی با نگرش سنتی و معناشناسی با جهت‌گیری امروزی این است که معناشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند، در صورتی که زبان‌شناسی، به‌ویژه سنتی، قلمرو خود را فراتر از جمله نمی‌داند. در حقیقت «معناشناسی در پی کشف معنا در جایی است که بنیان‌های ارتباط متقابل و تنگاتنگ نشانه‌ها با یکدیگر، در آن شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، تجزیه و تحلیل معناشناختی متون بر این اصل استوار است که کلام یا متن محل تجمع نشانه‌ها نیست؛ بلکه محل شکل‌گیری فرایندی معنایی است که مسئولیت اصلی تولید آن بر عهده گفتمان است» (شعیری، ۱۳۸۱، ص ۶).

در معناشناسی یا سمانتیک، متن یا کلام به مثابه «مجموعه‌ای معنادار» تلقی می‌شود که امکان مطالعه شدن دارد. این شیوه از نگاه در تحلیل گفتمان متن به‌شدت می‌تواند به مثابه یک اصل مهم کاربردی تلقی شود. در رابطه با معنا، یکی از مباحث دیگر، بحث در مورد معنای معناست و اینکه اصولاً معنا چیست؟

چارلز آگدن و ایور ریچاردز کتابی تحت عنوان معنای معنا دارند و در آن تحقیق کرده‌اند که لفظ معنا، در «معناهای» متفاوت به‌کار رفته است. این یعنی اینکه وقتی از معنا صحبت می‌کنیم، باید از همان آغاز تلقی و مقصود خودمان را درباره اصل مفهوم معنا مشخص کنیم. این وضعیت نشان‌دهنده این است که مفهوم «معنا» خود دارای معنای مشخص واحدی نیست.

صفوی معناشناسی معناها را همان یعنی‌ها می‌داند. مانند چراغ قرمز یعنی ایست یا حلقه در انگشت یعنی ازدواج (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۳۰)؛ البته خاستگاه این دیدگاه، نظریه دلالتی معناست. در نظریه دلالتی،^۲ مدلول‌ها،^۳ معنی دال‌ها هستند. به تعبیر دیگری می‌توان گفت که معنی هر چیز، درحقیقت، همان است که بر آن دلالت می‌کند مانند میز که در سالن مطالعه است که مدلول واژه میز می‌باشد (آکماجین، ۱۳۷۶، ص ۲۸۳). در همین زمینه زبان‌شناسان جدید معنا را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱. معنای درون‌زبانی که همان مفهوم است و داخل یک عبارت است و در حقیقت همان «یعنی» است؛
۲. معنای برون‌زبانی که مرتبط با «بافت موقعیتی»^۴ است؛ یعنی در موقعیت‌های مختلف یک واژه چگونه به‌کار برده می‌شود (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳).

دیوید کی برلو^۵ یکی از دانشمندان آمریکایی ارتباطات در کتاب فراگرد ارتباطات^۶ نیز در فصلی از این کتاب با عنوان «معنی معنی» به این مسئله پرداخته است. برلو با تأکید بر اینکه معنی در پیام نیست؛ بلکه در ماست تأکید می‌کند: «در واقع کلمات در نهایت هیچ معنایی نمی‌دهند، بلکه معنی‌ها فقط در آدم‌ها هستند. معانی مسبب پاسخ‌ها می‌شوند. آنها چیزهایی شخصی هستند و

2. Referential.

3. Referents.

4. Situational Context.

5. David K. Berlo.

6. The Process of Communication.

1. Semantics.

۱-۲-۲. معنای سمانتیک و معنای پراگماتیک

معنای سمانتیک^۵ ناظر به معنای لفظی که گاه به آن «معنای زبانی»^۶ نیز گفته می‌شود. این معنا معمولاً در حوزه «معناشناسی»^۷ مورد بحث قرار می‌گیرد.

معنای پراگماتیک^۸ ناظر به معنای گوینده است که ناظر به «فعل گفتاری»^۹ است. این معنا در شاخه «زبان‌شناسی کاربردی» مطالعه می‌شود. در نوشتار معمولاً معنای سمانتیک مقدم‌تر از معنای پراگماتیک است. در معنای پراگماتیک، رفتار گوینده، از لحن و حالت چهره و غیره در ایجاد معنا تأثیرگذار است. به همین دلیل بحث زمینه یا بافت^{۱۰} اهمیت بسزایی پیدا می‌کند. اگرچه در هر دو معنا موضوع زمینه یا بافت حائز اهمیت است.

۲. وجوه جامع معنا

واعظی (۱۳۹۰) معتقد است که وجوه جامع معنا شامل چهار ساحت و جنبه بوده که عبارت‌اند از:

۲-۱. معنا در ظرف ثبوت و تقریر زبانی و نشانه‌ای

این وجه ثبوتی و امدار «وضع» و قراردادهای زبانی است که رابطه و پیوند خاصی میان لفظ و معنا ایجاد می‌کند. در این وضعیت لفظ نشانه‌ای برای افاده و انتقال معنا قرار داده می‌شود. این معنا در حقیقت مستقل از استعمال، گوینده و مؤلف، شرایط و موقعیت حاکم بر استعمال لفظ است.

۲-۲. معنا از منظر ذهنی متکلم و نویسنده

هر نویسنده و یا متکلمی پیش از به‌کار گرفتن لغات و ابراز معانی و مضامینی را در ذهن خود می‌پروراند و به کمک گفته یا نوشته، قصد القا و انتقال آن معنا را به ذهن مخاطب خود دارد.

درون ارگانیزم انسان‌اند. معنی‌ها آموخته می‌شوند. آنها چیزی شخصی هستند و دارایی‌های ما محسوب می‌شوند. ما معنی را یاد می‌گیریم، بر آنها می‌افزاییم، آنها را نابود می‌کنیم، اما قادر به یافتنشان نیستیم. آنها در ما هستند نه در پیام» (Berlo, 1960: 177-175) (به نقل از محسنیان‌راد، ۱۳۹۵، ص ۹۴).

کریستین فروملینگ^۱ یکی از اندیشمندان دیگری است که در کتاب هندبوک خود از تباطات انسانی همین مسئله را به شکل مبسوط‌تری مطرح می‌کند. «یکی از ویژگی‌های کلیدی معنی آن است که در کلمه نیست، بلکه در مردم است. مردم معنی را به کلمات و نمادها نسبت می‌دهند. معنی در ورای نمادها و کلمات حضور دارد. رابطه‌ای است بین نماد و چیزی که نماد نماینده آن است» (Froemling & Grice, 2011: 73).

بحث مربوط به اینکه معنا در کلمات نیستند و در ذهن افراد هستند توسط بسیاری از اندیشمندان مطرح شده و تقریباً می‌توان اکنون گفت که نوعی از اجماع در این زمینه وجود دارد؛ اما آنچه در این زمینه نیز قابل توجه است، تغییر این معنا در طول زمان (در زمانی) است. این تحول معنایی همان مطلبی است که به‌شدت در تحلیل گفتمان مورد توجه است.

۱-۲-۲. وجوه و تقسیمات معنا

اگرچه همان‌گونه که پیشتر اشاره شد که معنا در ذهن است و در کلمات نیست، اما برای معنا وجوه و تقسیمات متعددی وجود دارد که به‌طور اختصار به برخی از آنها اشاره خواهد شد. این بحث در تحلیل گفتمان مورد توجه است.

۱-۲-۱. معنای جمله و معنای گوینده

یکی از تقسیمات که فراتر از معنای مربوط به یک کلمه است و در تحلیل گفتمان از آن استفاده می‌شود، معنای جمله و معنای گوینده یا نویسنده است. معنای جمله^۲ که در حقیقت با معنای لفظی^۳ یا معنای آشکار جمله مرتبط است، و معنای گوینده^۴ که معنای نزد متکلم یا مؤلف است.

4. Speaker's Meaning.
5. Semantic Meaning.
6. Linguistic Meaning.
7. Semantics.
8. Pragmatic Meaning.
9. Speech Act.
10. Context.

1. Christian Froemling.
2. Sentence Meaning.
3. Literal Meaning.

۲-۳. معنا به عنوان محصول فرایند اظهار زبانی

متکلم و نویسنده به عنوان «فاعل ارتباطی» از زبان و مناسبات واقعی و موجود میان لفظ و معنا در کنار دیگر عوامل دخیل در ارتباط معنایی و انتقال پیام، سود جست‌ه و پیام و مراد و معنای ذهنی خویش را به مخاطب منتقل می‌کند، این جنبه از معنا از یک سو، با الفاظ و عبارات و قالب‌های زبانی و ساختارهای متنوع جملات سروکار دارد و از سوی دیگر، با متکلم و کاری که او قصد انجامش را با عبارت دارد و شرایط و موقعیتی که متکلم و مخاطب را احاطه کرده است.

۲-۴. معنا در ذهن مخاطب یا معنا برای ما

این جنبه از معنا قیام وجودی به مخاطب دارد؛ از این رو نه وصف به حال نویسنده و متکلم است و نه ویژگی متن و کلام تلقی می‌شود؛ بلکه حاصل تعامل و مواجهه مفسر و خواننده با کلام و متن است. به سبب قیام وجودی این جنبه از معنا به مخاطب و خواننده، طبعاً فاقد ثبات و دوام است؛ زیرا برحسب خواننده و مفسر و افق ذهنی او میزان تعهد و پایبندی وی به اصول و ضوابط فهم متن و توجه و یا عدم توجه وی به قرائن و شواهد و دیگر عوامل بیرون متن و گفتار، سیال و متغیر می‌شود (واعظی، ۱۳۹۰، ص ۶۳-۶۹).

در تحلیل گفتمان هر چهار وجه بالا مورد توجه می‌باشند، معنای جمله، معنای مورد نظر نویسنده، معنا در ظرف موقعیت و شرایط، و معنا از نظر خواننده این موارد همگی در تحلیل گفتمان باید مورد توجه قرار گیرند؛ اما آنچه که در اینجا اهمیت دارد نحوه سطح‌بندی اهمیت هر یک از این وجوه است.

۳. رویکردها و نظریه‌های معنا

ویلیام آلستون رویکردها و نظریه‌های معنا را در سه دسته کلی تقسیم می‌کند:

اول. نظریه مصداقی: ^۱ که معنا را براساس حکایت از یک امر عینی تفسیر می‌کند؛ دوم. نظریه تصویری: ^۲ که معنا را ذهنی دانسته و آن را براساس واقعیت خارجی تعریف نمی‌کند؛

سوم. نظریه رفتاری: ^۳ که معنا را برحسب رفتار انسان یا متناسب با موقعیت و شرایطی تعریف می‌کند که کلام در آنها القا می‌شود (آلستون، ۱۳۸۱، ص ۴۴). در یک تقسیم‌بندی دیگر که فراتر از دیدگاه آلستون، نظریه‌های معنا به صورت متنوع‌تر مطرح می‌باشند که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

۳-۱. نظریه مصداقی معنا

در این نظریه معنا چیزی جز مصداق لفظ و کلام نیست. معنای هر واژه، مصداق، محلی با ما به‌یازای خارجی آن است. بنابراین، اگر واژه‌ای فاقد مصداق خارجی بود، آن لفظ بی‌معناست؛ البته این نظریه باطل شمرده می‌شود.

۳-۲. نظریه رفتاری معنا

در این نظریه، معنای کلمه «رفتار فعلی» است که مخاطب در واکنش به شنیدن یا دیدن آن کلمه از خود نشان می‌دهد. هاسپرس تأکید می‌کند اگر واژه‌ای رفتار فعلی خاصی را در مخاطب موجب نشود، دست‌کم «تمایل» برای این رفتار را به وجود می‌آورد و همین تمایل به انجام رفتار خاص، معنای آن می‌باشد (هاسپرس، ۱۳۷۰، ص ۴۸).

در نظریه رفتاری معنا، متکلم نقش جدی نداشته و آنچه او انجام می‌دهد، چندان مهم نیست؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، پاسخ مخاطب و شنونده است؛ از این رو موقعیت حاکم بر او و رفتاری که براساس آن شرایط در برابر واژه و عبارت نشان می‌دهد یا تمایل به نشان دادن دارد، محور و اساس معناست.

۳-۳. نظریه کاربردی معنا^۴

این نظریه تا اندازه زیادی توسط ویتگنشتاین مطرح شده است. وی در این زمینه تأکید می‌کند که آنچه که در زبان اصل است، کاری است که گوینده و مستعمل، با زبان انجام می‌دهد و کارکردی که زبان در زندگی مردم دارد اساس و پایه معناست. از نظر وی زبان یک «فعالیت پیچیده اجتماعی» است؛ به همین

3. Behavioral Theory.

4. Use Theory of Meaning.

1. Referential Theory.

2. Ideational Theory.

اشتراک‌پذیری، همه‌آشنایان با یک زبان طبیعی به انجام محاوره و تفهیم و تفاهم زبانی قادر می‌گردند» (واعظی، ۱۳۹۰، ص ۸۲-۸۱).

بنابراین، می‌توان گفت فهم معنا و چگونگی انبساط معنایی عناصر، دال‌های شناور، دال‌های مرکزی و سرانجام با مفصل‌بندی درونی و بیرونی متن که بر پایه آن تولید گفتمان صورت می‌گیرد، در تحلیل گفتمان اهمیت اساسی دارد. اینکه معنا وابسته به فرد، به رفتار، به موقعیت، به لفظ یا جعل اصطلاحی آن در نگاه به متن و استخراج معنا از آن اهمیت بسزایی دارد. در حقیقت، تحلیل گفتمان، شناخت فرایندی معنای درونی و بیرونی متن در ارتباط به موقعیت، متون دیگر، و گفتمان‌های مرتبط است.

۴. تفاوت پیام، محتوا و مفهوم

در مباحث ارتباطات که در آن پیام نقش اساسی دارد موضوع «محتوا» در رابطه با تولید معنا اهمیت دارد. «در رهیافت تفهیمی، هدف از تحقیق اجتماعی بازسازی معنا و محتوای اعمال پدیده‌های اجتماعی است. هر پدیده‌ای در قلمرو حیات انسانی تجلی جان است که از طریق معناکاوی قابل شناخت است» (منوچهری، ۱۳۸۷، ص ۵۲-۵۳). محتوا در این حوزه نیز با مفهوم تفاوت‌هایی دارد که می‌تواند در تبیین معنا مفید باشد. فهم معنایی این سه می‌تواند در تحلیل گفتمان، به‌ویژه به روش پدام تأثیرگذار باشد.

برلو محتوای پیام را چنین تعریف می‌کند: «مطالب درون پیام که به‌وسیله منبع [ارتباط‌گر] برای بیان هدف او انتخاب شده است». او می‌افزاید: «محتوای کتاب من، شامل اظهاراتی است که مطرح می‌کنم، اطلاعاتی است که عرضه می‌دارم و قضایاتی است که مورد نظر من است». [وضعیت مزبور نشان‌دهنده این است که] محتوا از ترکیب یا در هم آمیختن نشانه و نحوه ارائه به‌وجود می‌آید. این در هم آمیختگی حاصل انتخاب نشانه‌هایی خاص، با چینی‌شی خاص و نحوه ارائه خاص است. محتوا، محصول کنش ارتباطی ارتباط‌گر است؛ درحالی‌که مفهوم، حاصل کنش ارتباطی ارتباط‌گیر است. [بر مبنای آنچه که در این رابطه توضیح داده شد می‌توان گفت]:

دلیل وی از اصطلاح «بازی زبانی»^۱ استفاده می‌کند که ناظر به فعالیت‌های اجتماعی است؛ البته این نظریه نیز توسط برخی از اندیشمندان مورد نقد قرار گرفته است.

۳-۴. نظریه قضیه‌ای معنا^۲

این نظریه توسط برتراند راسل مطرح شده است. وی معتقد است که هر جمله، قضیه‌ای است که آن جمله درصدد اظهار آن است؛ لذا، معنای الفاظ و کلمات براساس مفاد قضیه‌ای تعیین می‌شود که به‌وسیله آنها ابراز و اظهار می‌شود. در تحلیل قضیه‌ای از معنا، جملات محور معنا تلقی می‌شوند؛ زیرا کلمات مفرد به‌تنهایی قادر نیستند حاکی از یک قضیه باشند. به همین دلیل است که معناداری کلمات مفرد به‌خاطر این است که اجزای یک جمله هستند. مثلاً در جمله «برف، سفید است»، معنای «برف» و «سفید» به دلیل اینکه به بخشی از یک قضیه دلالت دارد، دارای معناست (Lycan, 2008: 68-69).

البته باید تأکید کرد که اگر الفاظ به‌طور مستقل معنا نداشته باشند، نمی‌توانند در یک قضیه نیز معنای خود را بروز دهند یا متأثر از معنای کلی جمله باشند.

۳-۵. نظریه ایده‌ای معنا^۳

جان لاک از مدافعان این نظریه است، اگرچه امروزه طرفدار جدی ندارد. این نظریه تأکید می‌کند که معنا «صورت ذهنی» است.

۳-۶. نظریه هویت انتزاعی معنا

این نظریه ناظر به اینکه «معنا هویتی انتزاعی و متفرد و از سنخ مفهوم است و بی‌آنکه مقید به وجود ذهنی یا خارجی باشد، حاکی از ذات اشیاء و اشخاص است. اینکه معنا از سنخ مفهوم است، موجب آن است که «معنا» خصلت شخصی بودن و اختصاصی بودن را نداشته و امری «اشتراک‌پذیر» باشد؛ ازاین‌رو معنای هر لفظ برای دیگران نیز قابل فهم است و همگانی بودن و اشتراک‌پذیر بودن از ویژگی‌های معنا قلمداد می‌شود. به سبب این

1. Language Game.
2. Proposition Theory.
3. Ideational Theory of Meaning.

اینجا نیز دو تعریف آورده می‌شود. بنونسیت^۱ تحلیل‌گفتمان را تجلی زبان در فرایند ارتباط می‌داند (Jaworski & Coupland, 1999: 110) در اینجا تأکید بر ارتباط، به عبارت دیگر، تأکید بر معناست و شیوه‌های ادراک بین ارتباط‌گران است. یکی دیگر از تعاریف جدید در این زمینه که در فرایندسازی تحلیل به روش پدام مفید است، تعریف جی است.

جی، گفتمان را فکر و تحلیل‌گفتمان را تحلیل فکر می‌داند (Gee, 1999). این تعریف بیانگر این است که تحلیل‌گفتمان تنها دستیابی به معنای متن با توجه به زمینه خلق متن نبوده، بلکه فراتر از آن، توجه به اینکه معنای به‌دست آمده، چه فکر و اندیشه‌ای را مطرح می‌کند. در حقیقت، در تحلیل‌گفتمان به سیر تحول یک فکر توجه می‌شود. این خود بیانگر این است که در این تحلیل باید به فرایندسازی معنایی در خلق فکر توجه اساسی شود. گفتمان در همه مطالعات از دو نگاه مهم برخوردار است:

گفتمان به مثابه نظریه و گفتمان به مثابه روش. بنابراین، تحلیل‌گفتمان، به‌عنوان یک روش نمی‌تواند، خارج از نگاه نظری باشد. نظریه گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های گوناگون در زندگی اجتماعی و سیاسی سروکار دارد. این نظریه به تحلیل شیوه‌ای می‌پردازد که طی آن سیستم‌های معانی یا گفتمان‌ها چگونه در جامعه پیاده‌سازی شده و ایده‌ها و اندیشه‌های گوناگون هژمونیک می‌شوند. نظریه گفتمان از علوم تفسیری مانند هرمنوتیک پدید‌شناسی، ساختارگرایی و شالوده‌شکنی الهام می‌گیرد. رهیافت گفتمان با شیوه فهم و اندریافت ماکس وبر نیز شباهت‌هایی دارد (استوکر و مارش، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵).

گفتمان‌ها نقش اساسی در ترجیح برخی از ایده‌ها بر دیگر ایده‌ها و به مرکزیت درآوردن یا به حاشیه راندن آنها دارد. به گفته لاکلا این گفتمان‌ها هستند که گزاره‌های درست و نادرست را تولید می‌کنند و عواملان و نهادها ی اجتماعی را وا می‌دارند براساس این گزاره‌ها عمل کنند (لاکلا، ۱۳۷۹، ص ۲۶).

در فرایند تولید گفتمان، معنا و فرایندسازی معنا برای تحقق هژمونی گفتمانی اهمیت زیادی دارد. در حقیقت، گفتمان‌ها نقش اساسی در تثبیت معنا، گرچه به شکل موقت، دارند. دستیابی به

- ارتباط‌گر، آگاهانه و گاه ناخودآگاه، محتوا را آن‌گونه خلق می‌کند که نماینده معنای مورد نظر او باشد؛

- ارتباط‌گیر از محتوا، چیزی صید می‌کند که الزاماً مشابه محتوا نیست؛ بنابراین، درعمل عنصری است که می‌تواند متفاوت با محتوا باشد؛

- ارتباط‌گر محتوا را با این نیت خلق می‌کند که مفهومی کاملاً مشابه از سوی ارتباط‌گیر بیرون کشیده شود؛ اما همیشه این خواسته به‌وقوع نمی‌پیوندد؛

- همیشه این احتمال وجود دارد که مفهوم، تفاوت‌هایی با محتوا داشته باشد که همین تفاوت‌ها می‌تواند در سرنوشت تجلی معنی مشابه، نقش مخرب ایجاد کند؛

- به فرض مشابهت کامل مفهوم با محتوا، باز هم ممکن است معنی متجلی‌شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی مورد نظر ارتباط‌گر نباشد (محسنیان‌راد، ۱۳۹۵، ص ۲۷۲-۲۷۳).

برخی از اشکالات ایجادشده در تحلیل‌گفتمان ناشی از خلط میان معنای سه واژه «پیام»، «محتوا» و «مفهوم» می‌باشد. درحقیقت ما از پیام به محتوا دست می‌یابیم و براساس آن مفهوم لازم را استخراج می‌کنیم که به عبارت دیگر جایگزین معنی می‌شود همان‌گونه‌که پیش‌تر نیز اشاره شد. این فرایند تحول معنایی از مرحله‌ای به مرحله دیگر همان چیزی است که در روش پدام کاملاً مورد توجه می‌باشد.

۵. گفتمان و تحلیل‌گفتمان

برای گفتمان، تعاریف گوناگونی وجود دارد. در اینجا به دو تعریف کوتاه اشاره می‌شود. فرکلایف معتقد است که هر نوع کلام، گفتار یا نوشتاری اجتماعی است و ماهیت و ساختار اجتماعی دارد (Fairclough, 1991). پاکتچی از ویژگی ارتباط در گفتمان نام برده و می‌گوید «گفتمان بستر ارتباط است؛ بستری که ارتباط را معنادار می‌کند» (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۶). به‌دیگرسخن، گفتمان، ایجاد نوعی از روابط میان الفاظ، موقعیت، فرامتن‌ها، و گفتمان‌های دیگر است که در نتیجه این ارتباط، معنا در ذهن مخاطب یا قرائت‌کننده تولید می‌شود.

در مورد تحلیل‌گفتمان نیز تعاریف مختلفی وجود دارد. در

1. Benvensite.

فرایندسازی معنایی روش پدام به معنای فهم تحولات معنایی از ظاهری به پنهان، سطح‌بندی معنایی در فرایند غنی شدن معنا از یک سطح به سطح دیگر، و سرانجام فهم فرایند ساخت معناست. در همین زمینه باید گفت که فهم این فرایند نیازمند توضیح سه مفهوم نقش‌های زبانی، حقیقت و واقعیت و قدرت و هویت در این رابطه می‌باشد که در این روش مورد توجه ویژه می‌باشد.

۶-۱. فرانش‌های زبانی^۳

روش پدام از رویکرد فرانش‌های زبانی که با دیدگاه هالیدی غنی‌تر شده است، در دو محور ذیل استفاده می‌کند و تحلیل‌های گفتمانی را مورد توجه قرار می‌دهد:

۱. متن محور: این دیدگاه زبان‌شناسانه بوده و به‌عنوان مثال در مباحث کریس بالدیک و میخائیل باختین دیده می‌شود؛

۲. اندیشه‌محور: که گفتمان را به مثابه یک نظام معنایی تلقی می‌کند. این دیدگاه در مباحث فوکو و لاکلاو و موفه، به‌عنوان مثال، دیده می‌شود (Halliday and Hassan, 1976: 66).

روش پدام اگرچه هر دو محور را مورد توجه قرار می‌دهد، اما محور دوم مورد تأکید بیشتر بوده و گفتمان را یک نظام معنایی اندیشه‌محور می‌داند که معنای به شکل فرایندی شکل گرفته و باید مورد کشف قرار گیرد. برای شناخت هرچه بهتر دیدگاه هالیدی و فرانش‌های زبانی لازم است که به‌اختصار موارد ذیل مطرح شوند.

یکی از رویکردهای مهم در زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان، رویکرد نقش‌گرای مایکل هالیدی است. «زبان‌شناسی نقش‌گرای^۴ هالیدی نه‌تنها مدعی است که زبان به ذهنیات درونی مان و تجربیات بیرونی مان از جهان خارج شکل می‌دهد، بلکه ابزارهای تحلیل لازم برای این کار را نیز ارائه می‌دهد» (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸).

با نگاه یادشده، رویکرد نقش‌گرا در گفتمان بر رابطه دوجانبه زبان و بافت تأکید می‌کند و آن را مفروض می‌داند. بدیهی است که بافت یا زمینه در اینجا محیط، موقعیت و شرایط تولید گفتمان است. این نگاه به‌ضرورت مسئله کاربرد زبان را مطرح می‌کند.

هژمونی که غایت یک گفتمان به‌شمار می‌رود، به کمک تثبیت معنا امکان‌پذیر خواهد بود. اگر یک گفتمان نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی جامعه تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک خواهد شد (44: 1985, Laclau, Mouffe).

بنابراین، گفتمان براساس هژمونیک شدن معناها، ایده‌ها و اندیشه‌هاست. در همین راستا می‌توان گفت که تحلیل گفتمان یک تحلیل تفسیری و معناشناسانه از گفتمان است. به قول جورسکی و کاپلند تحلیل گفتمان همواره تفسیری است؛ تفسیر تحلیل‌گر از تفاسیر مشارکت‌کنندگان در گفتمان است (Jaworski & Coupland, 1999: 12).

۶. روش پدام و فرایندسازی معنا

روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)^۱ روشی جدید برای تحلیل گفتمان است.^۲ این روش بر مبنای فرایندسازی معنا استوار است. افزون‌بر آن این معنا بر پایه ارتباط و تحولات ارتباطی شکل گرفته است که بر روی متن و تفسیر متن تأثیرگذار می‌باشد. در اینجا باید تأکید کرد همه روش‌های تحلیل گفتمان همپوشانی‌هایی با همدیگر دارند؛ لذا باید در همین جا اشاره کرد که روش پدام نیز از دیدگاه فوکو (Foucault, 1994)، فرکلاف (Fairclough, 1995) و لاکلاو و موفه (Laclau & Mouffe, 1985) بهره لازم را برده است. هدف اصلی این روش، عملیاتی‌سازی تحلیل گفتمان و ارائه یک روش کاربردی در این زمینه است که به شکل فرایندی در ساخت معنا و رسیدن به نقشه معنایی مبتنی بر کشف دال‌های اساسی است.

در این مقاله تلاش شده است که افزون‌بر معرفی این روش که می‌توان به روشی امکان‌پذیری ساده و روشن آن را مشخص کرد، نمونه‌ای از اجرای عملیاتی آن نیز مطرح شود. بنابراین، بدیهی است مقاله، دو جنبه پژوهشی و آموزشی خواهد داشت که در معرفی روش‌های مختلف این شیوه مرسوم می‌باشد.

1. Practical Discourse Analysis Method (PDAM)

۲. این روش توسط دکتر حسن بشیر، استاد دانشگاه امام صادق (ع) معرفی شده است و در مقالات متعدد علمی-پژوهشی و پایان نامه‌های گوناگون اجرا شده است و می‌توان گفت که روایی آن مورد تأیید قرار گرفته است.

3. Language Metafunctions.

4. M. A. K. Halliday's functional linguistics.

نیست. اما مفروضات این مقاله در این زمینه مطرح می‌شوند. روش پدام با توجه به این مفروضات تحلیل گفتمانی خود را سامان داده است.

۱. وجود حقیقت با درک حقیقت متفاوت است؛

۲. درک حقیقت می‌تواند سیال و چندسطحی باشد (تفاوت در برداشت افراد مختلف)؛

۳. بنابراین: حقیقت دارای سطوح و درجات مختلفی است که در وضعیت‌های متفاوت جلوه‌های متفاوتی از آن متجلی می‌شود؛

۴. زبان به بازنمایی جلوه‌های مختلف حقیقت کمک می‌کند؛

۵. حقیقت با واقعیت متفاوت است. آنچه که از حقیقت درک می‌شود واقعیت است؛

۶. واقعیت چون بستگی به درک افراد دارد، می‌تواند چندمعنایی و چندسطحی باشد؛

۷. آنچه که در علوم اجتماعی بحث می‌شود: درباره واقعیت اجتماعی است نه حقایق مطلق؛

۸. گفتمان: ناظر به واقعیت‌های اجتماعی است؛

۹. تحلیل گفتمان: تحلیل واقعیت‌های اجتماعی است.

بنابراین، نگاه به حقیقت و واقعیت در تحلیل گفتمان به روش پدام، با برخی از روش‌های دیگر تفاوت دارد. در این روش تحلیل واقعیت‌های اجتماعی صورت می‌گیرد که با حقیقت‌های نفس‌الامری تفاوت اساسی دارند.

۳-۶. قدرت و هویت

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که تأکید می‌شود در خلق گفتمان تأثیرگذار است «قدرت» می‌باشد (Foucault, 1978). قدرت در درون گفتمان و قدرت در بیرون گفتمان (فرکلاف، ۱۳۷۹) از مباحث مورد توجه در تحلیل گفتمان است. این مفهوم در رابطه با زبان نیز به‌شدت مورد استفاده قرار گرفته است. قدرت در زبان و قدرت در پشت زبان یکی از مهم‌ترین مباحث در زبان‌شناسی و فهم فرهنگ حاکم بر زبان است.

قدرت از آغاز خلقت به نوعی وجود داشته است. با پیدایش جامعه، این مفهوم مشخص‌تر و زمینه‌های آن روشن‌تر شد. بنابراین می‌توان گفت که قدرت و آثار آن قبل از تشکیل جامعه و دولت وجود داشته و نظریه تونیس مبنی بر تقدم

به‌دیگرسخن، زبان کاربردی نقش اساسی در تولید گفتمان‌ها دارد. فسلد در این زمینه می‌نویسد: «مطالعه گفتمان، مطالعات همه‌جنبه‌های کاربرد زبان است» (Fasold, 1990: 65).

براون و یول در این زمینه با نگاه تفصیلی‌تر معتقدند: «تحلیل گفتمان ضرورتاً تحلیل زبان به هنگام کاربرد است. بدین ترتیب نمی‌توان آن را به توصیف صورت‌های زبانی، مستقل از هدف و نقشی که این صورت‌ها قرار است در امور انسانی ایفا کنند محدود کرد» (Brown & Yule, 1983: 1).

«هالیدی (۱۹۹۴، xiii) رویکرد خود را نقش‌گرایی می‌خواند؛ زیرا معتقد است که آراء او نسبت به زبان بیشتر متکی بر نقش عناصر زبانی است تا صورت آنها. او این اتکا به نقش را در سه تفسیر به‌کار می‌برد: الف. در تفسیر متون؛ ب. در تفسیر نظام؛ ج. در تفسیر ساخت‌های عناصر زبانی. از نظر او دستور نقش‌گرا اساساً دستوری طبیعی است» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

با توجه به رویکرد نقش‌گرای هالیدی می‌توان گفت تحلیل گفتمان قرائت پیام‌های مختلف و کشف معناهای پنهان آن در اجزا و کلیت متن است. «در دستور هالیدی، هر ذره متن در کل آن متن از طریق شیوه‌ای که در سازمان کلی پیام شرکت می‌کند، سهمی دارد» (ماتسون، ۱۳۹۲، ص ۳۱۲).

یکی از مباحث دیگری که در رویکرد نقش‌گرای هالیدی مورد توجه است، فرایندها هستند که در ساخت معنا در ذهن خواننده تأثیر فراوان دارد. روش پدام، به این فرایندهای معنایی توجه اساسی دارد. «در زبان‌شناسی هالیدی، فرایندها واحد بنیادین معنا محسوب می‌شوند. فرایندها معمولاً در فعل نهفته‌اند و به چهار مقوله یا بیشتر تقسیم می‌شوند: انجام دادنی، گفتنی، اندیشیدنی و بودنی. هرکدام از این فرایندها انواع متفاوتی از بندها را می‌سازند و تعیین می‌کنند که چه نوع معناهایی می‌توانند در آن بند ظهور یابند» (ماتسون، ۱۳۹۲، ص ۳۰۹).

۲-۶. حقیقت و واقعیت

یکی از مسائل بسیار مهم و دارای اهمیت در تحلیل گفتمان مسئله حقیقت و واقعیت است. معمای حقیقت در این رابطه مباحث زیادی را ایجاد کرده است که در این مقاله امکان پرداختن به آنها

۲. هویت در جامعه اسلامی (از جمله ایران) بیش از قدرت اهمیت دارد (غلبه هویت اسلامی بر بدنه عام جامعه)؛
۳. تعارض گفتمانی در جامعه اسلامی ناشی از هویت بیش از قدرت است (کشمکش ایدئولوژیکی هویت‌ساز)؛
۴. قدرت در جامعه اسلامی تابعی از هویت است (تسخیر قدرت توسط هویت ایدئولوژیکی)؛
۵. این وضعیت به دلیل هویت دینی-ایدئولوژیکی است (قدرت هویت) می‌باشد (برتری قدرت هویت دینی-ایدئولوژیکی بر قدرت‌های دیگر).
- جایگزینی هویت به جای قدرت به معنای حذف یا تقلیل‌گرایی از اهمیت قدرت نیست؛ بلکه اولویت دادن به هویت در ساخت، گسترش و تحلیل گفتمان است.

۷. اصول روش پدام

- روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) بر مبنای اصولی طراحی شده است که به طور خلاصه به شرح ذیل است:
- ۷-۱. تحلیل گفتمان: تحلیل فرایندی معناست؛
- ۷-۲. معنای فرایندی: محصول تعامل سه حوزه معنایی است:
- معنای ظاهری + معنای پنهان (ضمنی)؛
 - معنای هم‌زمان + معنای در زمان؛
 - معنای درون‌متنی (محصول مفصل‌بندی‌های معنایی میان معناهای مشابه و معناهای دیگر درون متن) + معنای بیرون/ فرامتنی (محصول مفصل‌بندی‌های بینامتنی و بیناگفتمانی بیرون متن).
- ۷-۳. تحول معنایی بیش از آنکه به «قدرت» بستگی داشته باشد به «هویت» و «چگونگی ساخت هویت» بستگی دارد.
- ۷-۴. هدف از تحلیل فرایند معنایی: کشف دال‌های اساسی فرامتنی (بیرون‌متنی) بر پایه دال‌های اساسی درون‌متنی است (پیوندسازی/ مفصل‌بندی دال‌های درون متن با دال‌های فرامتن).
- ۷-۵. فرجهی تدریجی دال‌ها: افزون‌بر تعدد دال‌ها در متن، دال‌ها در طی فرایندسازی معنایی به تدریج از نظر معنا فربه‌تر می‌شوند. این فرجهی به معنای «انبساط و شمولیت معنایی بیشتر» است.

«قدرت قربت مدارانه» در گمین شافت بر «قدرت ستیزه‌جویانه» در گزل شافت^۱ به دلیل تقدم زمانی تشکیل جمعیت بر جامعه مؤید این نظریه است (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۶۶-۶۷). «اما مفهوم‌سازی در باب قدرت برای نخستین‌بار در غرب و پس از تشکیل جامعه انجام پذیرفته و پرداختی فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی در این باره صورت گرفت که تطور گسترده‌ای را تاکنون در گفتمان‌های مختلف کلاسیک، میانه، مدرن و پسامدرن طی نمود» (رهبری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸-۱۱۹).

با وجود این تحول در مفهوم قدرت با تولد جامعه و دولت، اما رابطه قدرت و گفتمان موضوعی کاملاً جدید بوده که نتیجه تحولات مختلف در علوم انسانی و اجتماعی و به‌ویژه رویکرد میان‌رشته‌ای در میان آنها بوده است. نورمان فرکلاف با توجه به مبانی مطرح‌شده توسط فوکو (Foucault, 1997)، گفتمان را صرفاً بازتاب رابطه قدرت بیرون از آن نمی‌داند؛ بلکه برای گفتمان وجهی تأسیسی قائل است. به نظر وی گفتمان عرصه ظهور و بازتولید قدرت و در عین حال نقد و مقاومت در مقابل آن است. فرکلاف تأکید می‌کند که گفتمان چنان نیست که مستقلاً و از طریق تحلیل ساختارهای یک متن قابل تحقیق باشد. گفتمان در منظومه تعاملات گفتمانی و در رابطه پیچیده با شرایط اجتماعی و سیاسی قابل فهم و تحلیل است (Fairclough, 1991: 43-75).

اگرچه قدرت در خلق گفتمان اهمیت دارد، اما به نظر می‌رسد تأثیر «هویت» در جوامع اسلامی و به‌ویژه در ایران، به‌مراتب بیشتر از قدرت با مفهوم غربی آن می‌باشد. این بحث البته نیازمند تفصیل است که در اینجا فقط به مفروضات کلی آن اشاره می‌شود.

۱. قدرت در بیرون گفتمان و هویت درون گفتمان اهمیت دارد (قدرت ایدئولوژیکی در ساخت هویت)؛

۱. گیمشافت یا «جامعه‌مآلوف» در برابر «گزلشافت» یا «حشر» واقع است. صفت بارز روابط گیمشافتی، عاطفی بودن، متقابل بودن و فطری و طبیعی بودن است. به عبارتی، رفتار دنیای گیمشافتی، از سنخ مناسبات سنتی است. حال آنکه مناسبات گزلشافتی، از سنخ مناسبات صنعتی به‌شمار می‌آید. در نظریه «ف. تونیس» (۱۸۸۷)، گیمشافت به منزله تجسم زندگی حقیقی و دارای سازمان متجانس است، با وجود آنکه گزلشافت، تربیت اجتماعی ساختگی، و معمولی است که اساسش بر کشمکش و جدال خودپرستانه قرار گرفته است و به عبارتی ساده مناسبات فردیت‌گرای دنیای صنعتی و فرا صنعتی است» (The Penguin Dictionary of Sociology, 1984) (به نقل از: فردوسی، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

۷-۸. تحلیل معکوس گفتمانی: حرکت معکوس از دال‌های فراگفتمانی به دال‌های اساسی متنی برای تثبیت معناها به دست آمده (سیر ارتباطی رفت و برگشتی). این مرحله تنها زمانی انجام می‌گیرد که روایی دال‌های اساسی به دست آمده نیازمند نوعی از روایی‌سازی باشد. نمودار شماره (۱) نشان‌دهنده اصول یادشده است.

۷-۶. سطح‌بندی دال‌ها: با انبساط معنایی دال‌ها، سطوح متفاوت دال‌ها ایجاد می‌شوند و دال یک، دال دو، دال سه و ... به دست می‌آید (تفاوت با تقسیم‌بندی دال‌های اساسی و دال‌های شناور).
۷-۷. نقشه معنایی: شامل دو بخش ۱. کشف دال‌های فراگفتمانی مرتبط و ۲. تحلیل رابطه دال‌های فراگفتمانی با دال‌های بینامتنی و متنی است.



نمودار ۱: اصول روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)

۸. مراحل فرایندسازی معنایی در روش پدام

مراحل فرایندسازی معنایی در روش پدام یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحلیلی آن می‌باشد. این روش اگرچه رویکرد فرکلاف در رابطه با تحلیل گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، اما مراحل آن را فراتر از روش سه مرحله‌ای فرکلاف می‌داند. در روش پدام به جای سه مرحله فرکلاف، پنج مرحله یا به عبارت دیگر پنج سطح تحلیل وجود دارد (بشیر، ۱۳۸۵).

پیش از اینکه وارد بحث پنج سطح یادشده شویم، لازم است که تأکید شود که روش پدام سه مرحله کلی در رابطه با چگونگی پیاده‌سازی این روش و سه مرحله فرایندسازی معنایی را پیشنهاد می‌کند که به اختصار مطرح می‌شوند (بشیر، ۱۳۹۷).

۸-۱. مراحل کلی پیاده‌سازی روش پدام

۸-۱-۱. تعیین محتوای معنایی (انتخاب متن نهایی برای تحلیل براساس متن موجود، متن هدفمند، متن همسو). متن موجود، متن کلی مورد نظر تحلیل، متن هدفمند، متن همراستای موضوع تحلیل و متن همسو متن همراستای سؤال مربوط به تحلیل است؛
۸-۱-۲. تحلیل معنایی (کشف مفصل‌بندی‌های معنایی و روابط بینامتنی). کشف روابط معنایی میان عناصر، دال‌های شناور و دال‌های اساسی داخل متن و بیرون متن.

۸-۱-۳. نتیجه‌گیری معنایی (کشف روابط بیناگفتمانی). کشف روابط گفتمان متن مورد مطالعه و گفتمان‌های مرتبط دیگر.

۸-۲. مراحل فرایندسازی معنایی

فرایندسازی معنایی در روش پدام در ۳ مرحله انجام می‌گیرد:

۸-۲-۱. فرایندسازی معنایی درون‌متنی براساس:

- تعیین متن نهایی همسو که باید مورد تحلیل قرار گیرد؛

مهم‌ترین مرحله در روش پدام مرحله عمیق‌تر است که در این مرحله، گفتمان حاکم بر متن با گفتمان‌های فرامتنی مفصل‌بندی می‌شوند. در این مرحله دال‌های اساسی نهایی تأثیرگذار در خلق نقشه گفتمانی گفتمان مورد تحلیل، کشف و ارائه می‌شوند. بنابراین، هدف اساسی این مرحله به‌طور اختصار:

۱. تعیین دال‌های اساسی فراگفتمانی؛ ۲. ترسیم نقشه معنایی.

۱۰. نمونه‌ای از تحلیل گفتمان بیانات رهبری درباره بیداری اسلامی به روش پدام

در اینجا تلاش می‌شود که به‌اختصار نمونه‌ای از تحلیل گفتمان به روش پدام ارائه شود. بدیهی است که برای اجرای پنج سطح مورد نظر در این روش، مقاله را طولانی خواهد کرد؛ از این‌رو تلاش شد که سه سطح اول که در سه ستون درج می‌شوند برای مشخص کردن چگونگی فرایندسازی معنا و برداشت از متن اصلی نشان داده شوند. در همین جا باید تأکید کرد که در تحلیل گفتمان، کمترین تغییر در جهت‌گیری، حتی با وجود شباهت لفظی با متن قبلی، می‌تواند معنا را تغییر دهد و در روش پدام همین موضوع مورد توجه جدی است و به معنای فرایندسازی معنایی در نظر گرفته می‌شود.

در این روش، با انجام مرحله توصیف، که در سه سطح اول انجام می‌گیرد، برداشت‌های مهم از این سطوح در سطح چهارم (سطح عمیق) انجام می‌گیرد که در حقیقت کشف معنای کلی مورد نظر در سایه سه ستون اول است. در مرحله پنجم (سطح عمیق‌تر) دال‌های اساسی گفتمان کشف می‌شود. بدیهی است که برای تمامی این مراحل می‌توان توضیحات بیشتری را انجام داد؛ ولی همان‌گونه که گفته شد، محدودیت حجم مقاله بازدارنده است.

۱۰-۱. محورهای شاخص‌های بیداری اسلامی از دیدگاه رهبری

۱۰-۱-۱. تحلیل سه سطح اول

در اینجا بخش‌هایی از دو پیام مقام معظم رهبری در مورد بیداری اسلامی که اولی متعلق به پیام به کنگره عظیم حج (خامنه‌ای، ۱۳۹۰) و دومی متعلق به خطبه دوم نماز جمعه تهران (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) است در ستون اول دو جدول شماره (۱) و شماره (۲) آمده‌اند. دو ستون بعدی با توجه به گرایش متن و تحلیل توجیهی با توجه به دیگر گرایش‌های متن درج شده‌اند.

- تعیین جهت‌گیری و نقاط تمرکز متن (Attention & Direction). تفکیک میان عناصر، دال‌های شناور و دال‌های اساسی و توجه به جهت‌گیری کلی متن؛

- تعیین جهت‌گیری توجیهی متن با توجه به سایر جهت‌گیری‌های متن (کشف روابط همنشینی، جانمایی و ترکیبی متن).

۸-۲-۲. فرایندسازی معنایی بینامتنی (کشف روابط بینامتنی

درون و بیرون متن)

۸-۲-۳. فرایندسازی معنایی بیناگفتمانی (کشف روابط

گفتمان درون متن با گفتمان/گفتمان‌های بیرون متن)

۹. سطوح فرایندسازی معنایی در روش پدام

روش پدام یک تحلیل چندسطحی است که شامل پنج سطح بوده که عبارت‌اند از (نمودار ۲):

۱. سطح-سطح
۲. عمق-سطح
۳. سطح-عمق
۴. عمق-عمق (عمیق) ← فرایندسازی معنایی بینامتنی
۵. عمیق‌تر ← فرایندسازی معنایی بیناگفتمانی

نمودار ۲. سه مرحله اساسی فرایندسازی و پنج سطح تحلیلی در روش پدام

سطوح فرایندسازی معنایی در چند ستون طراحی شده‌اند که حرکت از هر ستون به ستون دیگر، یک حرکت فرایندی است که معنا را غنی و غنی‌تر می‌کند تا به سطح نهایی می‌رسد. این ستون‌ها عبارت‌اند از:

ستون اول: سطح-سطح: متن انتخاب شده همسو برای تحلیل؛

ستون دوم: عمق-سطح: رابطه/ مفصل‌بندی کلمات/ مفاهیم/

جملات مشابه/ مترادف؛

ستون سوم: سطح-عمق: رابطه/ مفصل‌بندی نتایج ستون دوم

که محصول ستون اول با جملات دیگر در داخل متن؛

ستون چهارم: عمق-عمق/ عمیق: فرایندسازی معنایی بینامتنی؛

در این ستون تفسیر روابط بینامتنی نتایج ستون سوم

(عمق-سطح) با معانی فرامتنی صورت می‌گیرد. نتایج آن نیز

عبارت است کشف دال‌های اساسی مرتبط می‌باشد.

ستون پنجم: عمیق‌تر: فرایندسازی معنایی بیناگفتمانی (بشیر

و همکاران، ۱۳۸۹).

جدول ۱: تحلیل سه ستون اول پیام کنگره حج

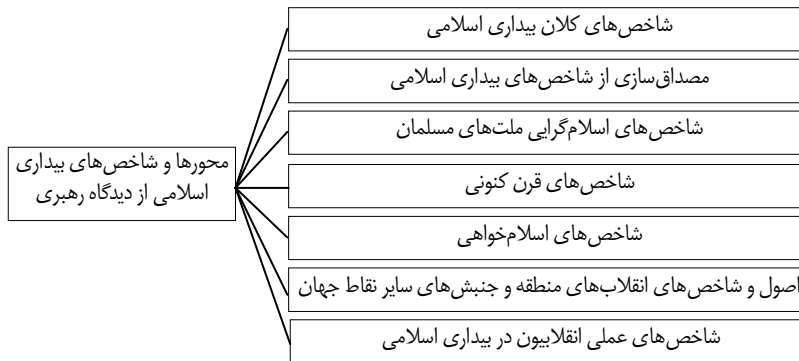
| تحلیل توجیهی با توجه به دیگر گرایش‌های متن | گرایش و جهت‌گیری متن | برداشت از اصل متن |
|--|--|--|
| «ایستادگی / مقاومت» عامل مقوم بیداری اسلامی است. | «ایستادگی / مقاومت» یکی از مصادیق تقوا در دوران کنونی است. | مصادیق بزرگ تقوا در این دوره برای ملت‌های به‌پاخاسته آن است که حرکت مبارک خود را متوقف نسازند و خود را سرگرم دستاوردهای این مقطع نکنند. |
| تبیین تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی | «تطمیع» و «تهدید» و «فرب» از ابزارهای کارشکنی دشمنان است. | مستکبران بین‌المللی بیکار نمی‌مانند و با همه توان سیاسی و امنیتی و مالی، برای برقراری دوباره نفوذ و قدرت خود در این کشورها، به میدان می‌آیند. ابزار آنان، تطمیع و تهدید و فرب است. |
| تبیین نقش نخبگان در بیداری اسلامی | وظیفه نخبگان «محافظت از انقلاب» است. | چشم بیدار جوانان و روشنفکران و عالمان دینی باید در برابر حیل‌های مستکبران بین‌المللی و قدرت‌هایی که از این ۱۳ قیام‌ها و انقلاب‌ها لطمه دیده اند به دقت مراقبت کند. |

جدول ۲: تحلیل سه ستون اول خطبه دوم نماز جمعه

| تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن | گرایش و جهت‌گیری متن | برداشت از اصل متن |
|--|---|---|
| تبیین علل موجه بیداری اسلامی | «حس تحقیرشدگی از وضعیت سران»، «اسلام‌خواهی» و «وابستگی به آمریکا» دلایل حرکت مردم مصر و تونس است. | عامل اصلی این حرکت عظیم مردم، اول در تونس و بعد اوج آن در مصر، احساس تحقیری است که در مردم از وضعیت سران خود به‌وجود آمد. مردم تحقیر شدند، احساس کردند به آنها توهین شده است. این نامبارک مصر، ملت مصر را دلیل کرد... این مردم یک انگیزه مهم‌شان اسلام‌خواهی است... انگیزه بعد هم وابستگی به آمریکا است، که بسیار مهم است. آمریکایی‌ها مایل نیستند گفته بشود که علت قیام مردم تونس در اول و بعد اوج آن در مصر، وابستگی است؛ این حقیقت قضیه است. |
| تبیین علل موجه بیداری اسلامی | «حس تحقیرشدگی از وضعیت سران» از دلایل حرکت مردم مصر است. | انفجار امروز ملت بزرگ مصر، پاسخی به این خیانت بزرگ [تنزل این کشور از جایگاه رفیع قبلی‌اش به رتبه یک مهره بی‌اختیار در بازی‌های سیاسی در منطقه] است که دیکتاتور وابسته، نسبت به ملت خود مرتکب شد. |
| تبیین شاخص‌های بیداری اسلامی | «اسلام‌خواهی» و «آزادی‌خواهی» از شاخصه‌های قیام مصر است. | قیام ملت مسلمان مصر، یک حرکت اسلامی و آزادی‌خواهانه است. |
| تبیین تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی | «نومیدی»، «هرج‌ومرج» و «تفرقه» از ابزارهای دشمن برای مقابله با قیام است. | دشمن شما سعی می‌کند شما را از دست یافتن به هدف‌های خود نومید کند... دشمن شما با تجهیز مزدوران امنیتی خود آنها را به مقابله با شما گسیل می‌کند تا با ناامنی و هرج‌ومرج مردم را به ستوه بیاورند. |
| علمای اسلام زمینه‌ساز بیداری اسلامی | اهمیت نقش علمای دینی در قیام مردم | علمای دین و از هر شریف که سوابق درخشان آن زیانزد است، نقش خود را کاملاً برجسته کنند. |
| تبیین تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی | «میانجی‌گری آمریکا» یکی از خطرات پیش روی انقلاب مصر است. | آمریکا که سی سال از حکام مزدور، بر ضد ملت مصر حمایت کرده، اکنون در موضعی نیست که بتواند در قضیه مصر به‌عنوان میانجی وارد شود. |

۱۰-۱-۲. تحلیل مرحله عمیق

در مرحله عمیق تلاش می‌شود که محورهای اساسی آنچه که در سه ستون اول به‌دست آمده است، کشف و درج شود. بدیهی است که این مرحله، یک نگاه عمیق‌تر به معانی است که در حقیقت به شکل فرایندی از متن مورد تحلیل به‌دست آمده‌اند. نمودار شماره (۳) نشان‌دهنده محورها و شاخص‌های بیداری اسلامی از دیدگاه رهبری است.

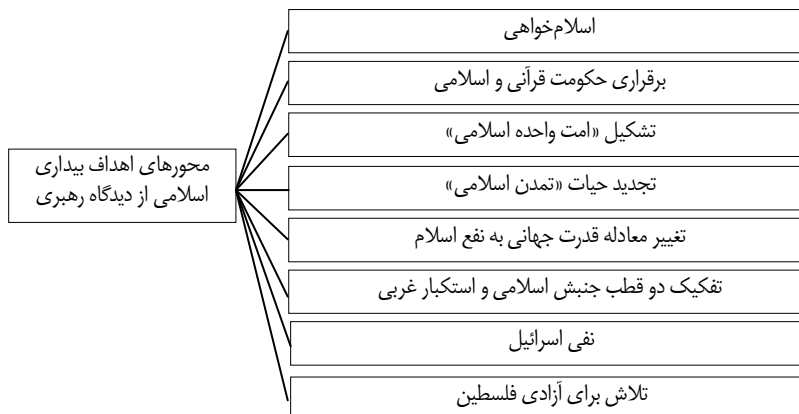


نمودار ۳: محورها و شاخص‌های بیداری اسلامی از دیدگاه رهبری

۱۰-۱-۳. تحلیل مرحله عمیق‌تر

در این مرحله رابطه متن با فرامتن برقرار و در حقیقت نوعی از مفصل‌بندی بین این دو برای کشف دال‌های اساسی ایجاد می‌شود. دال‌های اساسی به‌دست آمده، بیانگر عمق معنایی

مورد هدف در ایجاد متن است که به‌صورت گفتمان صورت‌بندی می‌شود. در اینجا، در حقیقت، دال‌های اساسی فراگفتمانی تعیین‌کننده اهداف بیداری اسلامی از دیدگاه رهبری است که در نمودار شماره (۴) نشان داده شده‌اند.



نمودار ۴: دال‌های اساسی / اهداف بیداری اسلامی از دیدگاه رهبری

۱۰-۱-۴. جمع‌بندی

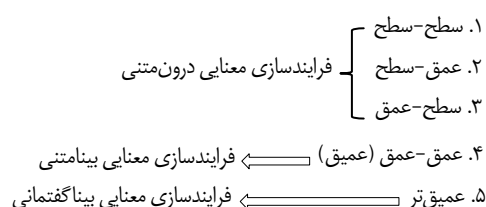
تحلیل بخشی از بیانات معظم رهبری در مورد بیداری اسلامی با روش پدام، نشان‌دهنده چگونگی نگاه به متن براساس فرایندسازی معنایی از مرحله‌ای به مرحله دیگر است. در این مراحل، نگاه توصیفی از اصل متن آغاز و به جهت‌گیری متن و سپس توجه به رابطه گزاره استفاده‌شده از متن با دیگر گزاره‌ها داخل متن منتهی می‌شود. در مرحله بعدی عمیق، رابطه معنای نهایی به‌دست آمده از ستون‌های

سه‌گانه با معناهای مرتبط با گفتمان مورد نظر در خارج از متن مورد توجه است. بدیهی است این مرحله نیز به معنای خروج از معناهای متنی نیست؛ ولی این معنا از شمولیت و عمومیت گسترده‌تری برخوردار بود و در حقیقت در اینجا نوعی از فریبی معنایی ایجاد می‌شود. در مرحله عمیق‌تر، تحلیل معناها گسترده‌تر به‌دست آمده، برای به‌دست آوردن دال‌های اساسی است. با به‌دست آوردن دال‌های اساسی، در حقیقت، نقشه معنایی مورد نظر

متن به دست می‌آید. در اینجا، با توجه به اینکه دال‌های اساسی در حقیقت همان اهداف مورد نظر رهبری در مورد بیداری اسلامی است، دال‌های اساسی به دست آمده به عنوان اهداف نهایی متن مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

روش پدام برای تحلیل گفتمان روشی است که بر اساس فرایندسازی معنایی استوار است. در این فرایندسازی معنایی سه مرحله اساسی و پنج سطح تحلیلی وجود دارد. نمودار شماره (۵) نشان‌دهنده سه مرحله اساسی فرایندسازی است.



شکل ۵: سه مرحله اساسی فرایندسازی و پنج سطح تحلیلی در روش پدام

در این مقاله تلاش شده است که ضمن تبیین مفروضات و اصول روش پدام در رابطه با مفاهیم «حقیقت»، «واقعیت»، «قدرت»، «هویت» و به‌کارگیری سطوح تحلیلی متفاوت، زمینه نظری این روش ارائه شود. بدیهی است که در اینجا هر دو جنبه آموزشی و پژوهشی مورد توجه است. در حقیقت، بدون توضیح نسبتاً کامل روش نمی‌توان چگونگی پیاده‌سازی آن را مطرح کرد. از سوی دیگر، هدف مقاله معرفی این روش جدید است که با توجه به انتشار مقالات متعدد علمی-پژوهشی براساس آن، می‌توان روایی آن را مورد توجه قرار داد.

همچنین، تلاش شد که با تحلیل بخشی از متون مربوط به بیانات رهبری در مورد بیداری اسلامی، پیاده‌سازی مختصری از این روش ارائه شود. همان‌گونه که در نتایج تحلیل متون یادشده آمده است، نهایتاً با کشف دال‌های اساسی فراگفتمانی، در حقیقت نقشه معنایی و مورد هدف متن در طرح اصول و اهداف بیداری اسلامی معرفی شود.

منابع

۱. آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آکماجین، آندرین (۱۳۷۶)، زبان‌شناسی؛ درآمدی بر زبان و ارتباط، ترجمه: خسرو غلامعلی‌زاده، تهران: طاق بستان.
۳. آلستون، ویلیام (۱۳۸۱)، فلسفه زبان، ترجمه: احمد ایران‌منش و احمدرضا جلیلی، بی‌جا: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۴. استوکر، جری و مارش دیوید (۱۳۸۴)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. بشیر، حسن (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمان دینی: مبانی نظری، چاپ اول، قم: انتشارات لوگوس.
۶. بشیر، حسن و همکاران (۱۳۸۹)، خبر و تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۷. بشیر، حسن (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان؛ دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۸. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱)، نقد متن، تنظیم و ویرایش: صالح زارعی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۹. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۱۰. حجازی، سیدنصراله و وحید بهرامی (تابستان ۱۳۹۸)، «کاربست روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف در رشته علوم سیاسی»، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۵، شماره ۹۹، ص ۱-۱۸.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، پیام به کنگره عظیم حج، مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۴.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، خطبه دوم نماز جمعه تهران، مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.
۱۳. رهبری، مهدی (۱۳۸۵)، «تحول گفتمانی قدرت: جستارهایی در باب تحول مفهومی قدرت در دوران
- کلاسیک، میانه، مدرن و پسا مدرن»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، ص ۱۱۷-۱۵۲.
۱۴. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۱۵. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱)، مبانی معناشناسی نوین، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۶. صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، معنی‌شناسی کاربردی، تهران: انتشارات همشهری.
۱۷. فردوسی، حمیدرضا (۱۳۷۶)، پست مدرنیسم و نشانه‌شناسی در ادبیات داستانی، مشهد: نشر سیاوش.
۱۸. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۹. لاکلا، ارنستو (۱۳۷۹)، واسازی، عملگرایی، هژمونی، ترجمه: جوادعلی صدوقی، تهران: فرهنگ گفتمان.
۲۰. ماتسون، دونالد (۱۳۹۲)، گفتمان‌های رسانه: تحلیل متون رسانه، ترجمه: عبدالحسین کلاتری و بهزاد احمدی، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۵)، ارتباط‌شناسی، ویرایش ۲؛ با تجدید نظر و اضافات، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سروش.
۲۲. محمدپور، احمد (۱۳۹۷)، ضد روش؛ زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، چاپ اول، ویراست دوم، قم: انتشارات لوگوس.
۲۳. منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

40. Halliday, M. A. K. and Hassan, R. (1976), *Cohesion in English*, London: Longman.
41. Jaworski, Adam & Coupland, Nikolas. (1999), *The Discourse Reade*, London: Routledge.
42. Laclau, E. & Mouffe, C., (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, London: Verso.
43. Lycan, William (2008), *Philosophy of Language*, Routledge.
44. Neuman, L., (2006), *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, Third Edition, London: Allyn and Bacon.
45. The Penguin Dictionary of Sociology (1984), Penguin.
46. Tönnies, Ferdinand (1887), *Gemeinschaft und Gesellschaft*, Leipzig: Fues's Verlag, 2nd ed. 1912, 8th edition, Leipzig: Buske, 1935 (reprint 2005, Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft; latest edition: Gemeinschaft und Gesellschaft.
۲۴. واعظی، احمد (۱۳۹۰)، نظریه تفسیر متن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. هاسپرس، جان (۱۳۷۰)، درآمدی بر تحلیل فلسفی، ترجمه: سهراب علوی‌نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
26. Berg, B., (2006), *Quantitative Research Methods for the Social sciences*, New York: Allyn and Bacon.
27. Berg, P. and Luckmann, T., (1967), *Social Construction of Reality*, Garden City, New York: Anchor Books.
28. Berlo, David (1960), *The Process of Communication*, Michigan State University, New York: Rinehart and Winston.
29. Brown, G. & Yule, G., (1983), *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.
30. Fairclough, N., (1991), *Language and Power*, London and New York: Penguin.
31. Fairclough, N., (1995), *Critical Discourse Analysis*, London: Longman.
32. Fasold, R., (1990), *Sociolinguistics of Language*, Oxford: Blackwell.
33. Foucault, M., (1997), *The Order of Things*, London: Routledge.
34. Foucault, M. (1994), *The Archeology of Knowledge*, Translated from the French by: Sheridan Smith, London: Routledge.
35. Foucault, M. (1978), "Politics and the Study of Discourse", *Ideology and Consciousness*, No.3, p. 190.
36. Froemling, Kristin K. & Grice, George L., (2011), *Communication, The Handbook*, Boston: Allyn & Bacon, Pearson.
37. Gee, James Paul. (1999), *An Introduction to discourse analysis: Theory and method*, Routledge.
38. Halliday M.A.K., (1994), *An Introduction to Functional Grammar* (2ed ed.), London: E. Arnold.
39. Halliday, M. A. K. (1994), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward, Arnold.